

نکته‌ای پیرامون زبان شعر دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی

محسن صادقی^۱

خلاصه

بهره‌گیری از گویش‌های خراسان یکی از ویژگی‌های بارز شعر محمدرضا شفیعی کدکنی است. این مقاله در پی آن است، تا نشان دهد این شاعر و ادیب خراسانی در کنار ابداع ترکیب‌های بدیع و زیبا، با وام‌گیری خودآگاه یا ناخودآگاه از گویش‌های خراسان، واژه‌های جدیدی را به گنجینه زبان فارسی افزوده است؛ واژه‌هایی که کاربران امروزی کمتر به گویشی بودن آن‌ها پی می‌برند.

کلمات کلیدی: شفیعی کدکنی، گویش، خراسان، پایه، دروزار.

۱. مقدمه

هان ای بهشتِ خاطر، ای زادگاه من!

سرسبز و جاودانه و بشکوه و شادباش!

کدکن، بهار ۱۳۴۰

محمدرضا شفیعی کدکنی (م. سرشک)، شاعر و ادیب معاصر، در سال ۱۳۱۸ در کدکن به دنیا آمد. مقدمات علوم اسلام-عربی را در زادگاهش آموخت و پس از آن روانه مشهد شد. وی دوره کارشناسی زبان و ادبیات فارسی را به سال ۱۳۴۴ در دانشگاه فردوسی به پایان رساند و برای ادامه تحصیل به تهران رفت (نک. عباسی، ۱۳۸۷: ۲۱). از برخی سروده‌های م. سرشک برمی‌آید، که وی به زادگاهش وابستگی عاطفی زیادی دارد و پس از این مهاجرت نیز پیوسته به خراسان سفر کرده و ارتباط فرهنگی و زبانی او با این دیار برقرار بوده است.

^۱ - استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور